

جغرافیا و سیرتطور اندیشه‌های جغرافیائی

نوشته: گوردین، آر، لیوئیت
استاد دانشگاه دولتی سن‌فرانسیسکو
ترجمه: سیاوش شایان

قسمت دوم

گسترش جغرافیا در دنیای مسیحیت

در اوایل دوره مسیحیت مطالعه جغرافیا بر متفکران و نویسندگان باستان و دست دوم استوار بود. پامونیوس میلا^۱، پلینی^۲ و سولینیوس^۳ خیال پرداز و گاه دزد آثار دیگران بودند و برای بطلمیوس جانشینان بی‌لیاقتی بشمار می‌روند. تسلط نظرات مذهبی مسیحیت نیز به حل مسائل و مشکلات کمکی نکرد، تا آنکه مشرکان بر کروی بودن زمین و وجود انسانها در آن طرف کره زمین خلاف انجیل و برای علمای الهیات قرن پنجم میلادی یعنی لاکتانتیوس^۴ و اوروسیوس^۵ بدعتی خطرناک بشمار می‌رفته زیرا اینان این عقیده را ترویج می‌دادند که جهان به صورت صفحه‌های مدور و محصور در اقیانوس است. کاسماس ایندیگو پلئوستیوس^۶ (۵۴۰ م.) که تاجر و راهبی دنیادیده بشمار می‌رفت، در کتاب خویش «توپوگرافی مسیحیت» به حسیف جغرافیا ناپل شد. در این کتاب وی میزی را در نظر گرفت و قالب‌هایی در آن قرار داد و شمعدانی مستقر نمود و کره زمین مستطیل صاف و همواری در نظر گرفت، حاشیه آن را اقیانوس فرا گرفته بود و این مجموعه را خورشیدی روشن می‌کرد که شبها در پشت کوههای شمالی پنهان می‌شد.

کاسماس در مناظره‌های دو جانبه افراطی بود ولی مشکوک به نظر می‌رسد که کاملاً اعتقاد به کروی بودن زمین را کنار نهاده باشد. راهب انگلیسی بد^۷ (۷۲۵ - ۶۷۲ م.) مطالب کاسماس را پذیرفته بود و در قرون وسطی کروی نبودن زمین و مرکزیت جهانی آن به کلی پذیرفته شده بود.

دلیل این مدعا نقشه‌های آن زمان است، نقشه‌هایی که زمین را به شکل صفحه ترسیم نمودند ارزش‌هنری داشتند و کشیدن نقشه فقط برای یک نیمکره ساده لوحی آنان را می‌رساند. فقط برای خط سیرها و یا نقشه راهها و نقشه‌های مخصوص دریانوردی دقت بکار می‌رفت، در اوایل قرون وسطی مسافرت‌های اکتشافی کاملاً متوقف نشده بود.

آلفرد پادشاه انگلیس سفر دیگران را به دریای سفید توصیف نمود و مسافرت‌های اریک^۸ و سایرین از طریق اقیانوس اطلس به واین‌لند^۹ و گروئتلند توسط مورخ آلمانی آدام برمن^{۱۰} حوالی سال ۱۰۷۵ م. ثبت شدند. کتاب نروژی آئینه شاه^{۱۱} در حدود سال ۱۲۵۰ م. نوشته شد و به وضوح یخچالها و آتشفشانها را تشریح نمود. در مشرق زمین نسطوریان (پیروان مذهبی نسطوریوس^{۱۲} پهبشوی بزرگ قسطنطنیه) از قرن هفتم میلادی در چین زندگی می‌کردند. مبلغان مذهبی پاپی و راهبه‌های فرانسیسکان^{۱۳} و پهبانکارپینی^{۱۴} و گیلام رابروگیس^{۱۵} به داخل آسیا نفوذ کردند و بعدها به سال ۱۲۹۵ م. مارکوپولو^{۱۶} و ایتالیایی دیگری به نام فریزاودریک^{۱۷} در سال ۱۲۲۵ م. بدانجا وارد شدند و درباره مشرق زمین داستانها بیان کردند.

قرن سیزدهم میلادی نشانه یک رنسانس در جغرافیا است. فیلسوف انگلیسی آدام بیچ^{۱۸} اطلاعات ریاضی را از عربی ترجمه کرد دانشمند انگلیسی راجر بیکن^{۱۹} محیط زمین را محاسبه و نقشه‌کشی دقیق‌تر را جانی بخشید محقق آلمانی آلبرتوس ماگنوس^{۲۰} به مطالب مورد علاقه ارسطاطالیمس در مورد جغرافیای طبیعی حیاتی تازه بخشید.

در سال ۱۴۱۰ م. کتاب جغرافیای بطلمیوس به لاتین ترجمه شد، رهبری تجدید نظر و علاقه در کارهای قدما به عهده راهب ایتالیایی فراماتورو^{۲۱} (در سال ۱۴۵۷ م.) و جغرافیدان آلمانی مارتین بهایم^{۲۲} (۱۴۹۲ م.) بود، آنها افکار بطلمیوس را که با اطلاعات صحیح در تضاد بود کنار گذاشتند.

در سال ۱۴۸۶ میلادی دریانورد پرتغالی بارتولومه دیاز^{۲۳} دماغه امیدنیک^{۲۴} را دورزد و کریستف کلمب^{۲۵} فردیناند مازلان^{۲۶} اکتشافاتی نمودند که باعث کاهش تعداد پیروان نظریات بطلمیوس شد، شک و تردید در مورد کروی بودن زمین کنار گذاشته شد و محیط و ابعاد آن به وضوح بیان گردید، با وجود اینکه بطلمیوس اقیانوس هند را اقیانوسی محدود و محصور از آب معرفی کرده بود اعلام شد که اقیانوس هند دریائی باز است و وجود مناطق آب و هوایی به صورت اصلاح شده مسلم گردید و ثابت کردند که سرزمین خیالی و غیرمسکون سوزان که معتقد بودند در استوا وجود دارد افسانه‌ای بیش نیست، جریانات اقیانوسی، گیاهان و حیوانات ناشناخته، مردم و فرهنگهای متفاوت یکی پس از دیگری کشف شدند، هماهنگ ساختن اطلاعات کشف شده جدید، قدری به تاءخیر افتاد ولی کارتوگرافی به زودی جانی دوباره یافت، خطوط ساحلی مبهم بود، و در سال ۱۵۷۰ م. کارتوگراف آلمانی مارتین والدزی مولر^{۲۷} با شهادت نام آمریکا را بر روی نقشه جهان‌نمای جدید خویش نوشت. ترسیم نقشه‌های کوچک و واضح دریائی با تکنیک‌های جدید ساحلی و نقاشی نقشه‌ها به وسیله جغرافیدانان فلاندری گرهارد - مرکاتور^{۲۸} (یا گرهارد کرمر^{۲۹}) و اورتلئوس^{۳۰} (یا آبراهام اورتل^{۳۱}) تقویت گردید و گراورساز فلاندری یودوکس هوندیوس^{۳۲}،

جغرافیدان آلمانی جان یانسن ۳۳ و کارتوگراف آلمانی ویلم بلمو ۳۴ این امر را دنبال کردند، نقشه‌ای از اروپا با درجه‌بندی و فواصل دقیق ارائه شد و نقشه‌کشی جدید توسعه پیدا کرد و انتشار اطلس‌ها آغاز شد. «نقشه‌کشی مرکاتور»، آئینه‌دریابان ۳۵ از واگنر ۳۶ و «اطلس محرمانه آلمانی کمپانی هند شرقی» با استقبال دریانوردان روبرو شدند و آلمانی‌ها و فرانسوی‌ها و انگلیسی‌ها نگران رقابت با یکدیگر بودند ولی این کار باعث پیشرفت گردید. در سال ۱۷۰۰ میلادی جغرافیدان فرانسوی گیله‌ام دلپل ۳۷ آخرین بقایای اثرات نقشه‌های بطلمیوس را از نقشه جهان زدود و کمی بعد نقشه‌های چین باقی‌مانده آن ویل ۳۸ اضافات اولیه و اساطیر کارتوگراف‌ها را از بین برد، نقشه‌های وی فقط مطالبی را دربرداشت که واقعی و شناخته شده بودند.

دقت بسیار در کارهای جغرافیائی این دوره نشانگر همکاری و حضور جغرافیدانان فرانسوی است ریاضی‌دان فرانسوی ژان بیکار ۳۹ و کاسینی ۴۰ که یک فامیل ستاره‌شناس بودند دقت و صحت مثلثات را توسعه بخشیدند و ام. اس. کروگوئیس ۴۱ ترسیم نقشه‌های ناهمواریها را با استفاده از منحنی‌های میزان آغاز کرد. به هر حال قرن شانزدهم قرن توسعه نقشه‌برداری و نقشه‌کشی ناحیه‌ای و گیتی‌شناسی است که با ستاره‌شناسی و جغرافیای عمومی همراه بوده و پیروزی اولیه آلمانی‌ها محسوب می‌گردد. جغرافیدان آلمانی پتروس آپیانوس ۴۲ (یا پیتر بینهویتس ۴۳) از والدزی مولر ۴۴ و جغرافیدان اسپانیایی‌دان دیگر یوهانس شونر ۴۵ اطلاعاتی را استنتاج نمود ولی همچنان طرح بطلمیوس را در جدائی جغرافیا از نقشه‌کشی ناحیه‌ای دنبال کرد و در سال ۱۵۲۴ میلادی یکسری نقشه همراه با کتاب گیتی‌شناسی آزاد ۴۶ منتشر کرد.

جما فریزیوس ۴۷ ریاضی‌دان و ستاره‌شناس فلاندری یادداشتهای توضیحی بر کتاب فوق افزود و سباستیان مونستر ۴۸ در کتاب خویش گیتی‌شناسی ۴۹ که به سال ۱۵۲۴ منتشر شده کار استرابو بسیار نزدیک شد و زمینه‌های اساسی را جهت جغرافیای تشریحی و ناحیه‌ای فراهم آورد اگرچه مونستر در این کتاب مطالب فراوانی برای بیان کردن درباره آلمان داشت ولی مطالب کمی در مورد اروپا و سایر نقاط جهان برای عرضه داشت، قسمتی از این کمبود با اکتشافاتی به وسیله راموسیو ۵۰ در ایتالیا و تئودور دبری ۵۱ در هلند، بویژه توسط ریچارد هاکلویت ۵۲ پر شده کارهای هاکلویت عبارت بود از «مسافرت‌های مختلف به کشف آمریکا منتهی شد ۵۳» (۱۵۸۹ م.) و «اصول دریانوردی و مسافرت و اکتشافات ملت انگلیس ۵۴» (۱۵۸۹ م.)، که از پیش‌نشانه‌هایی بر تغییرات آینده و بیشتر جغرافیای انگلیس بود.

چهار کتاب مشخص جغرافیا در دو کتاب ۵۵ «(۱۶۲۵ م.) از ناتانیل کارپنتر ۵۶ احتمالاً نخستین کتاب علمی به زبان انگلیسی در زمینه جغرافیا بود، کارپنتر بر مناظر عمومی و طبیعی جغرافیا

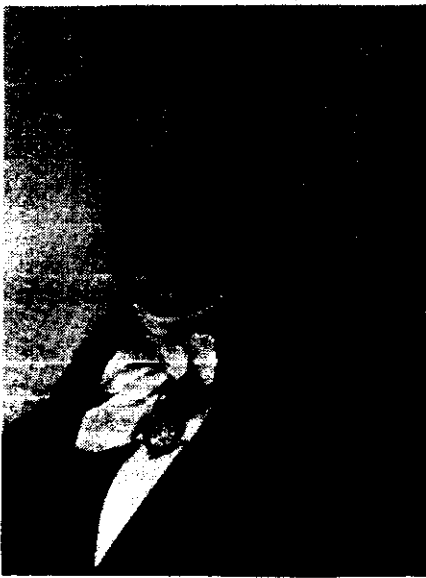
تأکید نموده و تفاوت بین گیتی‌شناسی، جغرافیا، نقشه‌کشی ناحیه‌ای و توپوگرافی را بدیهی شمرد وی معتقد بود که اینها فقط در مقیاس یا یکدیگر متفاوتند اندکی بعد جغرافیدان آلمانی فیلیپ کلورویوس ۵۷ در مورد مسائل تاریخی و ناحیه‌ای مطالب تشریحی واضحی نوشت.

مکتب وارن ۵۸

برنارد وارنیوس ۵۹ (در اصل وارن ۶۰) آلمانی‌ای بود که در اواسط قرن هفدهم در آمستردام زندگی می‌کرد وی بر این مطلب پافشاری می‌کرد که ریاضیات از زمین و در قسمتهای مختلف آن بکار رفته است. او جغرافی عمومی را به بخش‌های مطلق، نسبی و مقایسه‌ای تقسیم نمود و منشا آنها را عوامل زمینی، آسمانی و محلی می‌دانست او مطالعات ویژه ناحیه‌ای را عناصر انسانی اضافی به شمار می‌آورد که امکانات آسمانی و زمینی را محدود کرده‌اند.

مرگ زودرس وارنیوس توسعه مطالب و نظریات وی را از هم گسیخت ولی جغرافیای عمومی ۶۱ او که در سال ۱۶۵۰ م. منتشر شد مورد تحسین ریاضیدان و دانشمند انگلیسی اسحق نیوتون ۶۲ (۱۷۲۷ - ۱۶۴۲ م.) قرار گرفت. کم‌کم علوم طبیعی جنبه تخصصی پیدا کردند و جغرافیا و علوم طبیعی از یکدیگر تاثراتی پذیرفتند به طوری که نیوتون مسطح بودن قطب‌ها را اعلام کرد و با نظر کاسینی در این مورد مخالفت کرد و جزو مد را مورد مطالعه قرار داد در همان زمان ستاره‌شناس انگلیسی ادmond هالی ۶۳ و دیگران تبخیر، بادها و جریانات اقیانوسی را مطالعه کردند و گیاه‌شناس انگلیسی جان ری ۶۴ و طبیعی‌دان سوئدی کارل لینه ۶۵ طرح بیولوژیکی منظم طبیعت را طراحی کردند. زمین‌شناس اسکاتلندی جیمز هوتون ۶۶

و دیگران دست‌اندرکار تحلیل فسیل‌ها و چینه‌های سنگها و ساختمان کوهها بودند. در مطالعه جوامع انسانی آمارگر آلمانی یوهان - سومسیلیج ۶۷ علم آمار را بکار برد و اقتصاددان اسکاتلندی آدام اسمیت ۶۸ مبانی علم اقتصاد را توسعه بخشید، فیلسوف فرانسوی منتسکیو ۶۹ تاثر محیط را تصدیق نمود و طبیعی‌دان فرانسوی ژرژ لویی لاکرک با فن ۷۰ نژادهای انسانی را دسته‌بندی کرد و بسیاری از اطلاعات اولیه را با تاریخ طبیعی ترکیب نمود. با گسترش مطالعه علم هندسه جغرافیا سود فراوان برد و همچنین استفاده از دماسنج، فشارسنج و رطوبت‌سنج‌ها برای جغرافیا مزیت‌هایی به همراه داشتند با مسافرت کاپیتان جیمز کوک ۷۱ در قرن ۱۸ و ادامه اکتشافات سرفصل جدیدی در دوره مسافرت‌ها گشوده شده و آن را به حد اعلا رسانید. به هر حال تجزیه و تحلیل و ترکیب مسائل ناحیه‌ای از اهمیت کمتری برخوردار شد. کتاب جغرافیا ۷۲ (۱۶۶۱ م.) اثر گیووانی ریچیولی ۷۳ عمدتاً مطالب ریاضی به همراه داشت و باستان‌شناس و دانشمند علوم طبیعی و آلمانی آنا سیوس کیرچر ۷۴ در سال (۱۶۶۴ م.) بر روی پدیده‌های



الکساندر فن همبولت

را در موقعیت‌های مختلف به هم ربط داد و برای نشان دادن مناطق آب‌وهوایی از منحنی‌های ایزوترم (خطوطی که مناطق دارای دمای یکسان در زمان معین را به هم متصل می‌کند) ، استفاده کرد و در نقشه‌هایی ارتباط ارتفاع را با رویش‌های گیاهی نشان داد کتاب وی به نام کیهان^{۸۷} در ۵ جلد در زمینه جغرافیای طبیعی از سالهای ۱۸۴۵ تا ۱۸۶۲ منتشر شد و این بزرگترین کار او در زمینه جغرافیاست در هر حال بازنگری به آثارش نشان می‌دهد که اهمیت وی در انتشار این کتاب نیست بلکه وی از آن جهت مهم و ارزشمند است که نواحی‌ای مثل مکزیکو و لانو^{۸۸} را به خوبی مورد توصیف قرار داده است. تشریح مساعی وی در زمینه مطالعات آب‌وهوایی و جغرافیای گیاهی اهمیتی بسزا دارد.

جغرافیای کارل ریتر مکمل کاری بود که همبولت انجام داد کارهای او بیش از جغرافیای طبیعی برجغرافیای انسانی و تاریخی متکی و به جای کار سیستماتیک و عمومی کارهای ناحیه‌ای بودند. وی بر این عقیده بود که زمین از جانب خدا برای بشر طراحی شده و پیش بینی می‌کرد اگر قوانین به صورت نهایی روشن و واضح گردند، باعث پیشرفت بشر خواهند شد و به مناطق مختلف نقشی را که شایسته آنهاست خواهند بخشید.

مشاهده عینی عامل اساسی به حساب می‌آمد و « کلیت ناحیه‌ای با یکپارچه کردن اجزاء ترکیب دهنده آنها به رسمیت شناخته می‌شد. ارتباط محیط نسبت به تاریخ از تحلیل‌های پرحزمتی استنباط می‌شد. در عمل ریتر بیش از آنکه یک سیاح و ناظر باشد معلم و ترکیب کننده اجزاء و اطلاعات به شمار می‌رود او به زودی پس از انتشار اطلسی که در ربط دادن بعضی از پدیده‌های فرهنگی و طبیعی اروپا پیش‌قدم بود، معروف گردید.

طبیعی تاکید و زریهد کساری که یک قرن بعد لولوفس^{۷۵} و فیلیپ بوش^{۷۶} و توربرن برگمن^{۷۷} آن را دنبال کردند. اگر چه جغرافیدان آلمانی آنتون بوشینگ از ترکیب توپوگرافی و آمار در کتاب خویش « توصیف جدید - زمین ۷۸ - که در ابتدای سال ۱۷۵۴ منتشر شد مطلب قابل تحملی ارائه کرد، ولی وی در چهارچوب سنتی مطلق جغرافیای و مرزهای سیاسی عمل می‌کرد. لیبر^{۷۹} در سال ۱۷۲۶ تحقیقی عمیق‌تر در مورد طبیعت سرزمینها و مرزهای طبیعی به صورت یک یادداشت جدید جغرافیای ارائه داد و در مطلبی مشابه بوش در سال ۱۷۵۸ و گاتر^{۸۰} در سال ۱۷۷۵ به جستجوی توصیفی محکم و استوار برای کوهها و حوضهها پرداخت. حرکت به سوی « جغرافیای محض » در قرن نوزدهم به وسیله جی. ا. زئون و اچ. جی. هامیر^{۸۱} انجام شد و آنان سعی کردند تا اطلاعات تاریخی و توضیحات اضافی را از توصیف مناطق طبیعی بزدایند.

مکتب کانت ۸۲

اما نوئل کانت^{۸۲} فیلسوف آلمانی قرن هجدهم ابتدا جغرافیدان نبود ولی در فلسفه خویش موضعی صریح را به جغرافیا اختصاص داد به عقیده کانت کلیه علوم تجربی یا منطبق بر عقایدی بودند که از سیستم‌های طبیعی اخذ شده بودند - مثل آنهاست که توسط لینه به صورت فرمول درآمده بود. و یا براساس عقاید زمان و فضا بودند که از تسلسل تاریخی یا به هم پیوستگی‌های جغرافیای اخذ شده بودند. بنابراین تاریخ و جغرافیا از دو نقطه نظر دنیوی و فضائی تمامی ادراکات ما را از محیط مورد پالایش قرار دادند. برای کانت جغرافیای طبیعی اساس تاریخ و هم اساس سایر رشته‌های جغرافیا مانند ریاضی، اخلاق سیاسی، بازرگانی و مذهبی به حساب می‌آمد. کانت به شخصه سیاحی حرفه‌ای و دنیا دیده نبود بلکه به اطلاعات ابتدائی وارنویس، لولوفس و بوشه اتکا داشت، به هر حال دیگران خلاهای موجود را پر کردند، یوهان و جورج فورستر^{۸۴} پدر و پسری از اعضای تیم کاپیتان کوک بودند آنان بعد از دومین سفر خود به دوردنیا با توصیف‌هایی که به خوبی تنظیم شده و قابل درک بودند بازگشتند، این مطلب باعث برانگیخته شدن علاقه الکساندر فن - همبولت^{۸۵} شد، وی و کارل ریتر^{۸۶} را مؤسسين جغرافیای جدید می‌گویند.

همبولت و ریتر

تنوع و اختصاری که در مطالب الکساندر فن همبولت (۱۸۵۹ - ۱۷۶۹) وجود داشت باعث همکاریهای علمی بسیاری شد مطالب او کمتر در زمینه جغرافیا بود وی یک سلسله مسافرت به نواحی گرمسیری آمریکا و روسیه آسیای انجام داد و ارتباط و هماهنگی امور مربوط به سرزمینها و وحدت اشیاء را در ارتباط فضائی با یکدیگر به صورت دلپذیری نشان داد وی اطلاعات اولیه خویش

در آفریقا و حواشی قطب اکتشافات در حال پیشرفت بود ، آرنولد گایوت مشغول طرح و ترویج تئوری‌های ریتر در آمریکا بود و کلوس ، انتشار کتاب ۱۹ جلدی خویش به نام « جغرافیای جدید جهان » ، زمین و بشر^{۱۰۴} (۱۸۹۴ - ۱۸۷۵) به تساوی در حال غنا بخشیدن به ادبیات و جغرافیای ناحیه‌ای بود .

یادداشتها

- 1- Pomponius Mela.
- 2- Pliny de Elder.
- 3- Solinus.
- 4- Lactantius.
- 5- Oro Sius.
- 6- Cosmos.
- 7- Bede.
- 8- Erik The Red.
- 9- Vineland.
- 10- Adam of Bremen.
- 11- King's Mirror.
- 12- Nestorius.
- 13- Franciscan.
- 14- Piano Corpini.
- 15- Guillaume de Rubrugis.
- 16- Marcopoloo.
- 17- Friar Oderic.
- 18- Adam of Bacth.
- 19- Reger Bacon.
- 20- Albertus Magnus.
- 21- Fra Mauro.
- 22- Martin Behaim.
- 23- Bartholomeu Dias.
- 24- Good Hope.
- 25- Christopher Columbus.
- 26- Ferdinand Magellan.
- 27- Martin Waldsee Muller.
- 28- Gerhardus Mercator.
- 29- Gerhard Kremer.
- 30- Ortelius.
- 31- Abraham Oertol.
- 32- Iodocus Hondius.
- 33- Jan Iansson.
- 34- Williem Blaeu.

بعد از انتشار ۲ جلد اول از مجموعه ۱۹ جلدی کتاب « جغرافیا ۸۹ » از کارل ریتر ، برای اولین کرسی جغرافیای دانشگاه برلین در سال ۱۸۲۵ از وی دعوت به عمل آمد . هدف او که می‌خواست برای تاریخ زیربناهای جغرافیایی را اثبات کند ، غیر قابل دسترس بود ولی کارهای وی باعث گسترش بیشتر جغرافیای ناحیه‌ای شد . ریتر چهره ناهمواریها را به عنوان اساس برگزید وی این « اشکال ثابت » زمین را برای « اشکال متحرک » چون هوا و آتش و آب و حیوانات و گیاهان و مواد معدنی ، به عنوان پایه و اساس انتخاب کرد . ریتر و همبولت پایه گذاران جغرافیای جدید انسانی و طبیعی و عمومی و ناحیه‌ای بودند اما این حقیقت ابتدا واضح نبود . همبولت در مسافرت‌های علمی آن زمان روح تازه‌ای دمید ولی موقعیت معتبری در دانشگاه کسب نکرد و روشی را در جغرافیا ارائه ننمود .

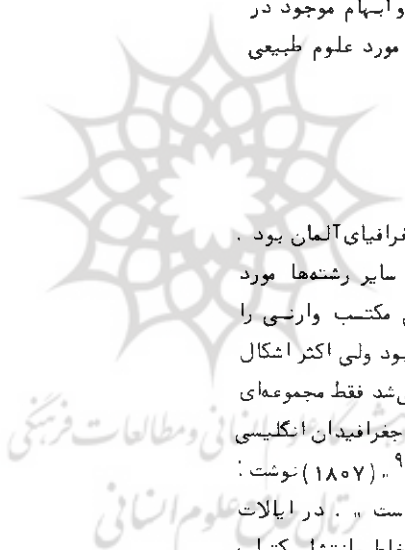
ریتر بعد از مرگ در دانشگاه جانشینی پیدا نکرد و کرسی‌اش در دانشگاه خالی باقی ماند . اگر چه تعدادی از دانشجویانش مثل آرنولد گویوت^{۹۵} و الیزه رکلوس^{۹۱} بعضی از نظرات او را دنبال کردند ولی سایرین در مورد هدف نهایی وی و ابهام موجود در جغرافیای مقایسه‌ای‌اش و دوگانگی نظرات وی در مورد علوم طبیعی و تاریخ دچار اشتباه و سردرگمی شدند .

عصر بلا تکلیفی

مرگ ریتر و همبولت آغازگر بلا تکلیفی در جغرافیای آلمان بود . گاه و بیگاه بخشی از جغرافیا بطور دوره‌ای با سایر رشته‌ها مورد تدبیر قرار می‌گرفت . اگر چه جغرافیای عمومی مکتب وارسی را حفظ کرد و وابسته به دریانوردی و کارتوگرافی بود ولی اکثر اشکال عمده جغرافیا که « جغرافیای ویژه » خوانده می‌شد فقط مجموعه‌ای از عوامل غیرهماهنگ و پراکنده بود . بنابراین جغرافیایان انگلیسی جان پینکرتون^{۹۲} در کتاب « جغرافیای نوین^{۹۳} » (۱۸۵۷) نوشت : « جغرافیا فقط آرزو مند نشان دادن تاریخ است » . در ایالات متحده آمریکا کشیش جدیدیه مورس^{۹۴} به خاطر انتشار کتاب « جغرافیای آسان^{۹۵} » (۱۷۸۴ م .) و کتاب جغرافیای آمریکا^{۹۶} که دارای اطلاعات و توضیحات منحصر به فرد بود ، پدر جغرافیای آمریکا شناخته شد . جغرافیای ناحیه‌ای به وسیله کنراد مالته برون^{۹۷} و کتابش ارزش جغرافیایی جهان^{۹۸} (۱۸۳۹ - ۱۸۱۰) بطور وسیعی منتشر شد .

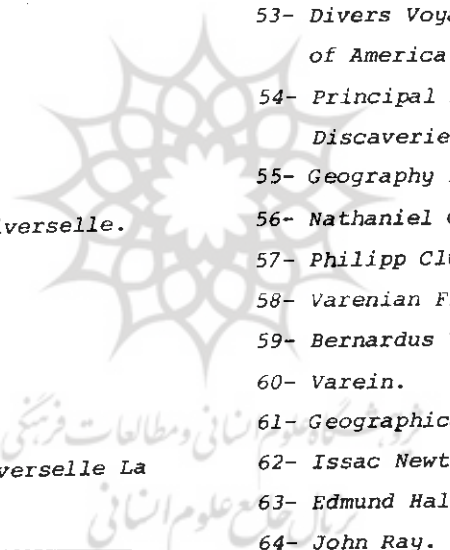
عوامل پیشرفت جغرافیای عمومی عبارت بود از کتاب « اطلس طبیعی^{۹۹} » (۱۸۴۸ - ۱۸۳۷) اثر هنریش بروگاس^{۱۰۰} و کتاب جغرافیای طبیعی (۱۸۴۸ م .) از ریاضی‌دان اسکاتلندی ماری سامرویل^{۱۰۱} .

بعد از مرگ ریتر و همبولت جغرافیای طبیعی بعد از سال ۱۸۵۹ به وسیله چارلز داروین^{۱۰۲} و اصل انواع^{۱۰۳} وی روبه توسعه گذاشت .



مجله جغرافیای و مطالعات فرهنگی
تالیف و ترجمه

- 75- Lulofs.
 76- Philippe Buache.
 77- Torbern Bergman.
 78- Neve Erdbeschreibung.
 79- Leyser.
 80- Gatterer.
 81- H.G.Hommeyer.
 82- The Kantian Framework.
 83- Immanuel Kant.
 84- Johann and Georg Forster.
 85- Alexander Von Humboldt.
 86- Carl Ritter.
 87- Kosmos.
 88- Llanos.
 89- Erdkunde.
 90- Arnold Guyot.
 91- Elisee Reclus.
 92- John Pinkerton.
 93- Modern Geography.
 94- Jedidiah Morse.
 95- Geography Made Easy.
 96- American Geography.
 97- Malte Brun.
 98- Precis de Geographie Universelle.
 99- Physikalischer Atlas.
 100- Heinrich Berghaus.
 101- Mary Somerwille.
 102- Charles Darwin.
 103- Origin of Species.
 104- Nouvelle Geographie Universelle La Terre etles hommes.
- 35- Mariners Mirror.
 36- Waghenare.
 37- Guillaume Delisle.
 38- Jean Baptiste B.d' Avnvill.
 39- Jean Picard.
 40- Cassinis.
 41- M.S.Cruguis.
 42- Petrus Apianus.
 43- Peter Bienewitz.
 44- Waldsee Muller.
 45- Johannes Schoner.
 46- Cosmographicus Liber.
 47- Gemma Frisius.
 48- Sebastian Munster.
 49- Comographia.
 50- Ramusio.
 51- Theodore de Bry.
 52- Richard Hakluyt.
 53- Divers Voyages Touching the Discovery -
 of America.
 54- Principal Navigations,Voyages, and
 Discoveries of The English Nation.
 55- Geography Delineated Forthin Two Books.
 56- Nathaniel Carpenter.
 57- Philipp Cluverius.
 58- Varenian Framework
 59- Bernardus Varenius.
 60- Varenin.
 61- Geographica Generalies.
 62- Issac Newton.
 63- Edmund Halley.
 64- John Ray.
 65- Carl Linnaeus.
 66- James Hutton.
 67- Johann Sussmilch.
 68- Adam Smith.
 69- Montesquieu.
 70- Georges-Louis Leckerc Buffon.
 71- James Cook.
 72- Geography.
 73- Giovanni Riccioli.
 74- Athanasius Kircher.



کتابخانه ملی و مطالعات فرهنگی
 سازمان اسناد و کتابخانه ملی
 وزارت فرهنگ و ارشاد اسلامی

توضیح :
 در شماره قبیل در قسمت مربوط به جغرافیا
 نزد یونانیها و رومیان از پیثاگوراس نام برده
 شده بود که نام وی در میان فارسی زبانان
 " پیثاغورث " جا افتاده تر است .
 ضمناً " نام دقیق نویسنده متنی گوردون -
 ار . لیوت ویت از دانشگاه دولتی سن فرناندز
 می باشد .